

احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵)

ابوالفضل شکوری^۱، امیرحسین وزیریان^۲

تاریخ دریافت: ۱۶.۰۹.۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۰.۰۲.۱۳۹۸

چکیده

افزایش کنش‌گری جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه از سال ۲۰۰۵ در قالب ایجاد ائتلاف موسوم به محور مقاومت همراه با نمایش قدرت در عراق، سوریه، لبنان و یمن موجب مطرح شدن ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای شده است. این نمایش قدرت مرهون موقعیت و ویژگی‌های منحصر به فرد داخلی در کنار تأثیرپذیری از رخداد‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. این نوشتار با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در پی پاسخ به این پرسش است که نقش مولفه‌های قدرت ملی در افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چهار متغیر موقعیت جغرافیایی (ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیکی)، مولفه‌های اقتصادی (نرخ رشد اقتصادی، درآمدهای نفتی، تولید ناخالص داخلی، سرانه تولید ناخالص داخلی، صادرات و واردات)، مولفه قدرت نظامی (استراتژی، هزینه‌ها، تجهیزات نظامی و نقش سپاه پاسداران در سیاست‌های منطقه‌ای) و اتخاذ هویت اسلام شیعی تأثیر مهمی در افزایش ضریب نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران داشته است.

واژه‌های کلیدی: قدرت منطقه‌ای، قدرت ملی، راهبرد منطقه‌ای، قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، هویت شیعی

۱. (نویسنده مسئول)، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (a.shakoori@modares.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۱- بیان مساله

قدرت‌های منطقه‌ای در واقع قدرت‌مندترین دولت‌ها در سطح مناطق یا سیستم‌های بین‌المللی هستند و تعداد قدرت‌های منطقه‌ای در هر منطقه بستگی به وضع توزیع قدرت در آن منطقه دارد (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۵۴). پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ این احساس را در بین بسیاری از ایرانیان به وجود آورد که به منظور جبران ناکامی‌های تاریخی باید آرمان‌های گذشته با احساس و شدت بیشتری بیان شود. از این رو به نظر می‌رسد اگرچه انقلاب ایران بر پایه تشیع بنیان نهاده شده است اما شواهد بیانگر این نکته است که جمهوری اسلامی بدون آنکه فقط تشیع را در نظر داشته باشد به بسیاری از حرکت‌های انقلابی جهان کمک کرده و یا دست کم خود را با آن همراه می‌پندارد. در واقع رهبران ایران از ابتدا تقریباً با تمامی جنبش‌های خواهان تغییر وضع موجود اشتراک نظر داشته و احساس یگانگی می‌کردند (شریعتی و وکیلی، ۱۳۹۶: ۴۸). اصل ۱۵۴ قانون اساسی ناظر بر حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، نظریه "ام القرا" به عنوان یکی از مبانی مهم نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی، جوهره سند چشم‌انداز بیست ساله ۱۴۰۴ مبنی بر ورود به عصر جدید تمدن‌سازی که در سطح جهان اسلام الهام بخش، در سطح منطقه پیشرو و در گستره بین‌المللی اثر بخش باید باشد از جمله شواهدی است که اندیشه قدرت منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای بودن را در اذهان رهبران ایران از بدو انقلاب اثبات می‌کند (سجادپور، ۱۳۸۹: ۵۵). با وجود چنین آرمان‌ها و بنیان‌های نظری در سیاست خارجی، در حد فاصل انقلاب اسلامی تا سال‌های ابتدایی هزاره جدید عواملی همچون تقابل شدید نظام بین‌الملل و اعمال سیاست مهار علیه ایران، فرسایش قدرت مانور منطقه‌ای ایران به واسطه جنگ هشت ساله با عراق و کاهش توانمندی‌های داخلی موجب ختشی سازی نفوذ قدرت منطقه‌ای ایران شد. اما در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۵ ارتقا توانمندی‌های داخلی در کنار تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شد

احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵)/۳

که قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه احیا شود. کاهش نسبی هژمونی آمریکا در قرن بیست و یکم و افزایش نقش‌آفرینی بازیگرانی همچون چین و روسیه در عرصه جهانی در کنار تحولات منطقه‌ای مانند حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و وقوع انقلاب‌های عربی در ۲۰۱۱ در این زمینه موثر بود (برزگر، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۶). در این راستا جمهوری اسلامی از طریق مرزهای غربی خود پایه قدرت‌اش را بر روی جمعیت شیعه جنوب عراق و سپس بر حاکمیت علویان سوریه و نهایتاً بر روی جمعیت شیعه لبنان که از دیرباز با آنان معاشرت داشته بنا نهاد (بختیارپور و عزتی، ۱۳۸۹: ۹). بازتاب افزایش قدرت منطقه‌ای ایران را می‌توان در افزایش کنشگری منطقه‌ای در قالب ایجاد ائتلاف با دولتها و گروه‌های همسو مانند سوریه، حزب الله لبنان، جنبش انصارالله یمن و حمایت همه‌جانبه نظامی، مالی و ایدئولوژیکی از آنها و در نتیجه افزایش ضریب نفوذ منطقه‌ای مشاهده کرد.

اگر چه تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای در ارتقا موقعیت منطقه‌ای و افزایش نفوذ ایران نقش مهمی داشته اما بنا به بسیاری از شواهد نقش قدرت ملی در این روند کلیدی محسوب می‌شود. باری روبین مدیر مرکز تحقیقات جهانی در امور بین‌الملل در پژوهشی تحت عنوان " ایران: ظهور یک قدرت منطقه‌ای " اذعان دارد که ظهور قدرت منطقه‌ای ایران یکی از مهم‌ترین تحولات قرن بیست و یکم خاورمیانه است. از نظر وی خیزش منطقه‌ای ایران به علت حکومت اسلامی یا بحث هسته‌ای نیست بلکه به عوامل دیگری مانند ژئوپلیتیک باز می‌گردد و مولفه‌های عینی قدرت ایران از قبیل جمعیت، فرهنگ، مذهب و نژاد در این زمینه نقش اساسی دارد (Rubin, 2006: 1). جیمز بیل نیز در مقاله خود تحت عنوان " سیاست استیلاجویی: ایالات متحده و ایران " معتقد است ایران با توجه به جمعیت زیاد، موقعیت سوق الجیشی، منابع عظیم هیدروژنی، تعصب ایدئولوژیکی و استقلال، مانند چین یک هژمون منطقه‌ای است و بر همین اساس مورد توجه ایالات متحد قرار گرفته است (بیل، ۱۳۸۱: ۵۲). نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد رابطه متقابل میان

افزایش توان داخلی و افزایش نفوذ منطقه‌ای است که این امر یکی از جنبه‌های رفتاری کشورهای قدرتمند در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای است. به تعبیر بهتر به نظر می‌رسد هر زمان که توان داخلی یک کشور افزایش می‌یابد بازتاب بیرونی آن افزایش نفوذ منطقه‌ای است. بر همین اساس این نوشتار در پی پاسخ به این مساله است که در افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در طی سالهای ۲۰۱۷-۲۰۰۵ نقش مولفه‌های قدرت ملی چگونه بوده است؟ برای نیل به این هدف پس از مرور پیشینه پژوهش و ارائه چارچوب نظری به ویژگی‌های قدرت منطقه‌ای و قدرت ملی می‌پردازیم و سپس با مرور سیاست و راهبرد منطقه‌ای ایران نقش مولفه‌های قدرت ملی را واکاوی می‌کنیم.

۲- پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی منتشر شده درباره قدرت منطقه‌ای ایران سه‌گونه است. دسته‌ای از پژوهش‌ها به تحلیل سیاست‌های منطقه‌ای ایران پرداخته‌اند. به عنوان نمونه سجاد مرادی کلارده و مهدی هدایتی (۱۳۹۶) در مقاله "راهبردهای منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی و اهداف" به تحلیل سیاست‌های منطقه‌ای و تبیین چرایی این سیاست‌ها در پرداخته‌اند. دسته دوم پژوهش‌ها به رقابت‌های منطقه‌ای ایران به طور موردی پرداخته و علل و زمینه‌های آن را کاویده است. مجید روحی دهینه (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل ژئوپلیتیکی رقابت‌های ایران و ترکیه متأثر از تحولات خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ میلادی" با چنین رویکردی قدرت منطقه‌ای ایران را بررسی کرده است. دسته سوم به بررسی و سنجش آماری قدرت ملی ایران می‌پردازد. به عنوان مثال سید هادی زرقانی (۱۳۸۸) در کتاب "مقایسه مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای جنوب غربی" و محمدباقر خرمشاد و حمید مرادخانی (۱۳۹۴) در مقاله "بررسی جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس الگوی سوات" به ارزیابی کمی مولفه‌های قدرت ملی بر اساس

الگوهای سنجش ژئوپلیتیکی قدرت پرداخته‌اند. وجه تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر آثار منتشر شده در این حوزه در این است که اولاً به طور مشخص و در قالب چارچوب نظری متأثر از مفهوم قدرت منطقه‌ای سیاست خاورمیانه‌ای ایران را تحلیل می‌کند و ثانیاً در تحلیل قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران از هر دو دسته داده‌های آماری و تحلیلی بهره جسته است.

۳- چارچوب نظری

۳-۱. مفهوم قدرت منطقه‌ای: قدرت منطقه‌ای موضوعی است که با ترکیب مفاهیمی چون قدرت، جغرافیا و منطقه حوزه پژوهشی خاصی را ترسیم می‌کند که گویای نوع خاصی از تقسیم بندی دولت‌هاست که در آن قدرت ملی به مثابه معیار اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد. ماهیت قدرت‌های منطقه‌ای بر اساس جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل مشخص می‌شود که این مساله خود تحت تأثیر مفهوم قطبیت^۱ و توزیع قدرت^۲ در نظام بین‌الملل است (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۷۴۶). بر اساس قطبیت و توزیع قدرت جایگاه کشورها مشخص شده و هر کشوری بر اساس میزان قدرت و توانمندی خود با مفاهیمی چون ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت منطقه‌ای و قدرت‌های کوچک شناخته می‌شود. سائول برنارد کوهن^۳ قدرت منطقه‌ای را در رده دوم سلسله مراتب قدرت در نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و معتقد است قدرت‌های منطقه‌ای اولاً: تلاش می‌کنند خود را به عنوان هسته و مرکز منطقه مطرح کنند، ثانیاً نفوذ نظامی در منطقه را دنبال می‌کنند و ثالثاً خواست‌های برتری جویانه‌ای در کل منطقه دارند (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۰۳). ایویند استرود برای تشریح قدرت‌های منطقه‌ای چهار مشخصه را ذکر کرده است. از نظر او قدرت منطقه‌ای به لحاظ جغرافیایی در بخشی

1. polarity
2. Distribution of power
3. Saul.M.Cohen

از منطقه معینی قرار می‌گیرد، قادر به مقابله با هرگونه ائتلاف سایر دولت‌ها در منطقه می‌باشد، نفوذ زیادی در امور منطقه‌ای داشته باشد و به واسطه اعتبار و منزلت منطقه‌ای ظرفیت تبدیل شدن به قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را داشته باشد (Osterud, 1992; 12). از نظر چیس، هیل و کندی کشورهایی در زمره قدرت منطقه‌ای قرار می‌گیرند که از سویی پیشرفت و ثبات اقتصادی-سیاسی آن‌ها زمینه ساز ثبات منطقه‌ای است و از سوی دیگر سقوط آن‌ها باعث بی‌ثباتی در منطقه شود (Chase, Hill, Kennedy, 1996, 35). همچنین دانیل فلمز از پژوهشگران موسسه گیگا (GIGA) در آلمان و نیز استفان شرم در تبیین قدرت منطقه‌ای چهار شاخص را ذکر می‌کنند: اول ادعای رهبری منطقه‌ای، دوم برخورداری از منابع ضروری قدرت از جمله توان نظامی، اقتصادی، جمعیت کارآمد و منابع طبیعی به مثابه قدرت مادی و فرهنگ سیاسی، مشروعیت و ثبات سیاسی و هویت به مثابه قدرت نرم. سوم به کارگیری مناسب ابزارهای سیاست خارجی از قبیل مذاکرات دیپلماتیک، ابزارهای نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی و چهارم پذیرش نقش رهبری توسط دولت‌های ثالث (Flemes, 2007, Schirm, 2005: 107-130). نکته‌ای که در شناسایی قدرت‌های منطقه‌ای اهمیت دارد برخورداری از توانمندی‌های نسبی، تمایل به نمایش، اعمال آن در سطح منطقه و نفوذ و اثرگذاری بر روند تحولات درون منطقه‌ای است. به عبارت دیگر بازیگری قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود که اولاً کارکرد منطقه‌ای داشته باشد و ثانیاً از منابع قدرت به عنوان عنوان شرط ضروری دستیابی به قدرت منطقه‌ای برخوردار باشد (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶). این پژوهش برای بررسی عوامل موثر بر ارتقا قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران سطح تحلیل ملی را مبنا قرار می‌دهد. این سطح تحلیل یک رهیافت تحلیلی است که چگونگی تأثیرگذاری ویژگی‌ها و خصوصیات داخلی کشورها بر کنش و رفتار آن‌ها در عرصه بین‌المللی را تحلیل و تبیین می‌کند. مولفه‌های قدرت ملی یک

کشور در قالب رویکرد ژئوپلیتیکی در این سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد (Mansbach and Rafferty, 2008: 10).

۲-۳. مفهوم ژئوپلیتیکی قدرت ملی: از آن جا که یکی از مهم‌ترین ویژگی قدرت‌های منطقه‌ای برخورداری از توانمندی‌های نسبی برای ایجاد اقتدار منطقه‌ای است، شناخت قدرت ملی به عنوان یک مفهوم ژئوپلیتیکی ضرورت می‌یابد. ژئوپلیتیک به عنوان یکی از رویکردهای تحلیل سیاست خارجی به بررسی ارتباط انسان با طبیعت، ارتباط قدرت ملی و جغرافیا می‌پردازد. در کانون رویکرد ژئوپلیتیک قدرت ملی قرار دارد که به معنای توانایی، ظرفیت و قابلیت یک ملت برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود در جهت منافع ملی تعریف شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۴۵). کارکرد قدرت ملی در این است که هر چه کشوری از قدرت ملی بالاتری برخوردار باشد برای تحقق منافع و اهداف ملی خود اولاً موانع کمتری در پیش دارد و ثانیاً تامین، حفاظت و بسط منافع ملی گسترش می‌یابد (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۵۲). برای سنجش قدرت ملی کشورها مدل‌های متفاوتی ارائه شده است. حافظ نیا و دیگران مدل نه متغیری را ارائه کرده‌اند که بر اساس آن قدرت ملی شامل فاکتورهای اقتصادی، سیاسی-حکومتی، فرهنگی، اجتماعی، سرزمینی، نظامی، علمی-فناوری، فرامرزی و فضایی می‌شود (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۵: ۵۱). هادی اعظمی نیز در راستای سنجش قدرت ملی مدل هشت گانه‌ای را شبیه به مدل حافظ نیا ارائه داده است با این تفاوت که فاکتور فضایی از آن حذف شده است (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۲۲). گستردگی مولفه‌های قدرت ملی سبب شده است که این نوشتار بر چهار مولفه مهم تمرکز کند. همچنین در هر مولفه بر چند فاکتور مهم تاکید شده است. در مولفه جغرافیایی به وسعت، موقعیت جغرافیایی کشور، جمعیت و موقعیت استراتژیک ایران در منطقه پرداخته خواهد شد. مولفه اقتصادی برای سنجش وضعیت اقتصادی کشور بر شش فاکتور نرخ رشد اقتصادی، درآمدهای نفتی، تولید ناخالص داخلی (GDP)، سرانه تولید ناخالص داخلی، میزان صادرات و سهم آن از

تولید ناخالص داخلی، میزان واردات و سهم آن از تولید ناخالص داخلی تاکید می‌کند. برای سنجش قدرت نظامی علاوه بر استراتژی به تعداد پرسنل، هزینه‌ها و تجهیزات نظامی به عنوان متغیرهای اساسی نگاه شده است. در نهایت در مولفه هویتی تاکید اصلی این نوشتار بر دگرگونی‌های هویتی و تأثیر آن بر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران بوده است.

۴- سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

در هزاره جدید حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و وقوع انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱ دو حادثه مهمی بود که ژئوپلیتیک خاورمیانه را تغییر و محیط امنیتی ایران را تحت تأثیر قرار داد. در مورد بحران عراق خروج این کشور از حالت یک بازیگر تهدیدگر، تغییر ماهیت تهدیدات امنیتی و ظهور تروریسم تکفیری-سلفی، ظهور ژئوپلیتیک شیعه، پررنگ شدن حضور آمریکا در خاورمیانه به واسطه حضور مستقیم در عراق و شیوع موج ایران هراسی از جمله تحولات منطقه‌ای بود که موجب تقابلی شدن سیاست خارجی ایران شد (Pollack, 2003: 2-16). انگیزه‌های ایران از اتخاذ چنین رویکرد متأثر از برداشت تهدید رهبران نسبت به افزایش تهدیدات آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی، ایدئولوژی انقلاب اسلامی و منافع ملی ایران بود (Katzman, 2019: 1-4). ناکامی آمریکا در عراق فرصت خوبی برای ایران مهیا کرد تا به ارائه بدیل الگوی سیاسی دولت مداری در عراق بر مبنای مخالفت با حضور نیروهای اشغال‌گر بپردازد و بتواند از برپایی دولتی با اکثریت شیعیان مطابق با تمایلات تهران حمایت کند. وقوع انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱ نیز باعث تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای همچون افول رژیم‌های اقتدارگرای عربی، افول ناسیونالیسم عربی و ظهور گفتمان‌های رقیب آن مانند الگوی انقلاب اسلامی ایران و الگوی دموکراسی محافظه کار ترکیه و شکل‌گیری الگوی سه قطبی هویت-قدرت در رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه شد (Hinnebusch, 2015; Hass, 2014: 715-753). در چنین شرایطی فرصت

مناسبی برای قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران، ترکیه و عربستان سعودی فراهم شد تا خلا قدرت به وجود آمده در منطقه را پر کرده و جایگاه خود را در سلسله مراتب قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا دهند. البته ترکیه و عربستان علی‌رغم شکاف‌های ایدئولوژیک ناشی از قرائت‌های متفاوت از اسلام (اخوانی- سلفی) به دلیل ترس از افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران به عنوان رهبر جریان شیعی در مقابل ایران سیاست منسجمی در پیش گرفتند (موسوی، برزگر، قوام و ذاکریان، ۱۳۹۵). در مقابل جمهوری اسلامی ایران در راستای احیای نفوذ منطقه‌ای خود از ابزارهای مختلفی بهره برد. از سویی در قالب نفوذ غیرمستقیم کوشید تا با بهره‌گیری از دولت‌ها و گروه‌های متحد خود همچون دولت سوریه، حزب‌الله لبنان، حماس، شبه‌نظامیان شیعه عراقی مانند سپاه بدر و حشدالشعبی، جیش‌الشعبی در سوریه و حوثی‌های یمن به عنوان گروه‌های نیابتی، منافع خود را در منطقه پیش ببرد (Smyth, Michetti and Daniels, 2017: 6-30). بنا بر گزارش نیویورکر حمایت از گروه‌های نیابتی توسط سپاه قدس به رهبری سردار قاسم سلیمانی با پرسنلی نزدیک به ۲۰/۰۰۰ صورت پذیرفت و موفقیت وی در گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران او را به عنوان یک قهرمان ملی مطرح ساخته است (New Yorker, September 30, 2013). از سوی دیگر ایران در برخی موارد برای حفظ امنیت منطقه‌ای و منافع خود از عملیات مستقیم نظامی در مرزهای غربی خود (عراق و سوریه) استفاده کرده است. در نهایت حمایت‌های مالی به منظور پشتیبانی از متحدان و جناح‌های موافق در کشورهای منطقه ابزار دیگر جمهوری اسلامی بوده است. بنا به برآوردی که در ژوئن ۲۰۱۵ توسط فرستاده ویژه سازمان ملل متحد به سوریه منتشر شده است جمهوری اسلامی ایران تنها در این سال مبلغی حدود ۶ میلیارد دلار به دولت بشار اسد و ۷۰۰ میلیون دلار به حزب‌الله لبنان کمک مالی کرده است (Katzman, 2019: 5-8). با اجرای این سیاست‌ها ضریب نفوذ به عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافت و موجب شد پژوهشگری مانند

ولی نصر محقق ارشد شورای روابط خارجی آمریکا اظهار کند که ایران از افغانستان تا آسیای میانه، خلیج فارس و عراق درگیر است و اثبات کرده که می‌تواند حتی در مناطق دورتری همانند فلسطین و لبنان که از دیرباز حیات خلوت حکومت‌های عرب بوده است خیلی بیشتر دارای نفوذ باشد (Nasr, 2007: 2). روزنامه الشرق الاوسط نیز در یادداشتی به قلم طارق حمید نوشت "احزاب دینی در عراق در راس قدرت هستند و نفوذ ایران در این کشور چه از منظر سیاسی و چه نظامی بسیار بالاست و شبه نظامیان مطرح در عراق همگی از پشتیبانی ایران برخوردارند. در لبنان حزب الله در راس امور است، در یمن حوثی‌ها به کمک ایران بازسازی و سازماندهی شده‌اند، در بحرین جنبش الوفاق به ایران بسیار متمایل است و در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجا و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند (طارق حمید، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰). مجله فارن پالیسی هم درباره نفوذ ایران در یمن نوشت: "جنبش انصارالله یمن تلاش می‌کند الگویی مشابه حزب الله لبنان را پیاده سازی کند. باب المندب یکی از تنگه‌های کلیدی است که از طریق خلیج عدن، دریای سرخ را به اقیانوس هند متصل می‌کند و این تنگه اصلی‌ترین مسیر انتقال نفت در جهان و رگ حیات کشتی‌رانی در کانال سوئز است. اگر حوثی‌ها بر باب المندب و بندر الحدیده که آن هم از مسیرهای دریایی کلیدی است تسلط یابند، می‌توانند تردد دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس را کنترل کنند. این مساله چشم انداز هشدار دهنده برای کسانی است که از افزایش نفوذ ایران در منطقه نگران هستند (Mudallali, 2014: 1). این گونه بود که اهداف سیاست منطقه‌ای ایران حول مقابله با سیاست‌های آمریکا در منطقه، واکنش به ائتلافات ضد ایرانی کشورهای منطقه همچون عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل و مقابله با تروریسم تکفیری به عنوان تهدید بالفعل شکل گرفت (مرادی کلارده و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۶؛ ۱۷۹-۱۸۱).

۵- راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

راهبرد منطقه‌ای ایران پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر محور امنیت به هم پیوسته^۱ قرار گرفت. بدین معنا که هرگونه ایجاد ناامنی برای ایران به معنای بروز ناامنی برای منطقه است و اگر امنیت منطقه برای آمریکا و هم پیمان‌های منطقه‌ای آن اهمیت دارد باید دغدغه‌های مشروع ایران را به عنوان یک کشور موثر منطقه به رسمیت شناخته و به آن توجه کنند (برزگر، ۱۳۸۸؛ ۱۳۶-۱۳۵). این راهبرد دارای چهار رکن اساسی است: رکن نخست حضور فعال در حلقه‌های امنیتی فوری و غیر فوری بود. حضور مستقیم نظامی ایران در عراق و سوریه علاوه بر تامین امنیت مرزها برای اتصال ژئوپلیتیکی محور مقاومت (تهران- بغداد- دمشق- لبنان) و جلوگیری از افزایش قدرت رقبای منطقه‌ای امری حیاتی بود (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳؛ ۱۵۹-۱۵۲). حمایت از حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی نیز در راستای مقابله با سیاست‌های اسراییل و ایجاد توازن قوا در منطقه و همچنین در جهت افزایش قدرت چانه زنی ایران برای حفظ امنیت و منافع ملی در حلقه فوری امنیتی بود. دومین رکن دفاع تهاجمی فعال است که بر اساس آن ایران کوشیده است تا از طریق حضور فعال نظامی و با کمک‌های آموزشی و مستشاری به جای سیاست انتظار و تعریف تهدید از خاکریزها در پی انهدام تهدید از مبدا و ماورای مرزهای خود باشد. ویژگی دفاع تهاجمی بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی در تجهیز گروه‌های مقاومت مردمی همچون حشدالشعبی در عراق و جیش الشعبی در سوریه است که با محوریت سردار سلیمانی پیگیری می‌شود (نیاکویی و مرادی کلارده، ۱۳۹۴؛ ۱۴۸). بازدارندگی موشکی سومین رکن راهبرد امنیت به هم پیوسته است که ایران با حدود ۵۰۰۰ کیلومتر مرز با همسایگان خود و حضور در کمر بند امنیتی آمریکا- ناتو به آن نیاز وافر دارد تا بتواند امنیت خود را تامین کند. در نهایت چهارمین رکن امنیت به هم پیوسته از نظر ایران ارتقای همکاری‌های تاکتیکی با

کشورهای دیگر برای مقابله با تهدیدات مشترک است. در این راستا ایران با روسیه به خاطر نگرانی مشترک از گسترش رادیکالیسم اسلامی و تأثیر آن بر محیط امنیتی خود وارد همکاری‌های نظامی-امنیتی شد (سهرابی، ۱۳۹۲؛ ۱۱۴-۱۰۷). در ادامه برای فهم مولفه‌های قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران باید شاخص‌های موثر بر آن را واکاوی کنیم:

۶- مولفه‌های قدرت ملی ایران

۶-۱. **جغرافیایی:** فقر و غنای جغرافیایی ابزارهایی هستند که در شکل دادن به موقعیت و منزلت منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کنند. موقعیت سرزمینی یک کشور نه تنها از حیث اقلیمی بلکه از نظر دسترسی به دریا و رودخانه‌ها، راه‌های ارتباطی، منابع طبیعی و ذخایر انرژی دارای اهمیت است. ایران به عنوان هفدهمین کشور وسیع و پرجمعیت جهان و دومین کشور از نظر جمعیت در خاورمیانه و قرارگرفتن در جنوب غربی آسیا دارای موقعیت ممتاز ژئواستراتژیکی برای تامین انرژی دیگر کشورها است و به دلیل برخورداری از پتانسیل‌هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، منابع فراوان گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریای‌های آزاد و تنگه استراتژیک هرمز دارای جایگاه انحصاری در تامین نفت و گاز کشورهای آسیایی در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه به شمار می‌رود (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۱۲). به لحاظ موقعیت جغرافیایی ایران در جنوب غربی آسیا و بخش عمده‌ای از فلات ایران قرار دارد. از دو طرف شمال و جنوب به آب‌های دریایی دریاچه خزر و دریای خلیج فارس راه دارد و وسعت آن $۱/۶۴۸/۱۹۵$ کیلومتر برآورد شده است (کریمی، ۱۳۹۴: ۲). به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان پس از پایان جنگ سرد و استقلال جمهوری‌های شوروی ایران به خاطر موقعیت منحصر بفرد خود و قرارگرفتن در حدفاصل دو انبار سرشار هیدروکربور جهان یعنی آسیای مرکزی و خلیج فارس از اهمیت بیشتری نسبت به دوران جنگ سرد برخوردار شد. اتصال شبکه خطوط

احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵)/ ۱۳

راه آهن ایران به آسیای مرکزی و گسترش راه های ارتباطی زمینی و همچنین اتصال شبکه انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی به لوله نفت و گاز ایزان این کشور را به چهارراه و مرکز ترانزیت کالاهای تجاری و ارتباطات بازرگانی میان شرق و غرب آسیا تبدیل کرده است (مجته‌زاده، ۱۳۷۹، ۵۱). ایران که از دیدگاه استراتژیک در دوران جنگ سرد اهمیت داشت پس از جنگ سرد با عامل اقتصادی (ژئواکونومی) منطبق شد و موقعیت منطقه‌ای ممتازی یافت. همچنین کمیت جمعیت به عنوان یک فاکتور مهم جغرافیایی و عامل تعیین‌کننده قدرت ملی به خاطر پشتوانه نیروی نظامی-دفاعی و منبعی که برای نیروی کار و تولید ثروت و همچنین ذخیره نیروی جنگی به هنگام بسیج توده ای فراهم می‌کند از اهمیت به سزایی برخوردار است (روشندل، ۱۳۷۴: ۷۶). بر اساس آمار بانک جهانی جمعیت ایران از ۷۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۵ به ۸۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۷ رسید. این رقم ایران را در قیاس با رقبای منطقه‌ای خود یعنی ترکیه و عربستان سعودی در وضعیت مطلوبی قرار داده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیتی در خاورمیانه: (۲۰۱۷-۲۰۰۵)

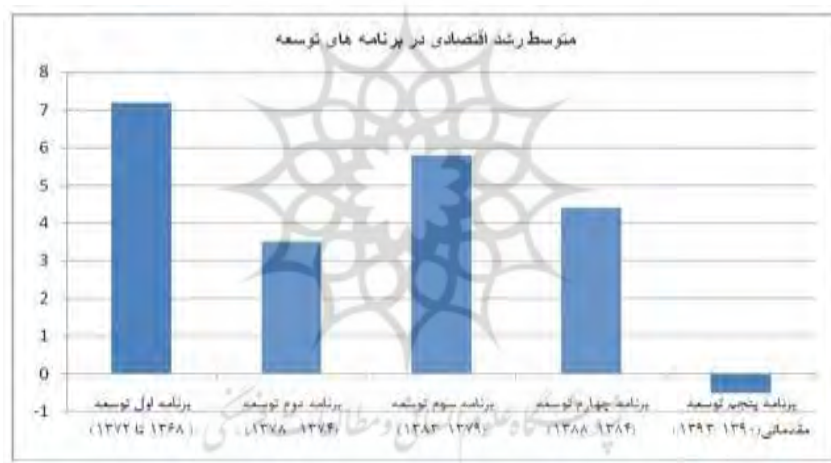
جمعیت	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۷
ایران	۷۰/۴۲۱/۸۱۱	۷۴/۵۶۷/۵۱۱	۷۹/۳۶۰/۴۸۷	۸۱/۱۶۲/۷۸۸
ترکیه	۶۷/۹۰۳/۴۰۶	۷۲/۳۲۶/۹۱۴	۷۸/۲۷۱/۴۲۷	۸۰/۷۴۵/۰۲۰
عربستان	۲۵/۹۰۵/۶۰۴	۲۷/۴۲۵/۶۷۶	۳۱/۵۵۷/۱۴۴	۳۲/۹۳۸/۲۱۳

منبع: The World Bank

۲-۶. **اقتصادی:** آن چنان که آمد این نوشتار برای سنجش مولفه قدرت اقتصادی بر شش فاکتور نرخ رشد اقتصادی، درآمدهای نفتی، تولید ناخالص داخلی (GDP)، سرانه تولید ناخالص داخلی، میزان صادرات و سهم آن از تولید ناخالص داخلی، میزان واردات و سهم

آن از تولید ناخالص داخلی تاکید می‌کند. در طی برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) که با هدف توسعه و رشد اقتصادی پایدار تصویب شد متوسط نرخ رشد اقتصادی ۴/۲ درصد ثبت شده است که این شاخص در برنامه پنجم (۱۳۹۴-۱۳۹۰) با افت شدیدی مواجه شد. چنانکه به ۰/۴۵- درصد رسید (غفاری، ۱۳۹۵: ۸). بدین ترتیب ایران اگرچه در برنامه چهارم توسعه رشد متوسطی را تجربه کرد اما با کاهش آن در برنامه پنجم متوسط نرخ رشد اقتصادی به ۱/۸ درصد رسید.

نمودار ۱: متوسط رشد اقتصادی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران



منبع: اطلاعات سری زمانی داده‌های اقتصادی بانک مرکزی

افزایش درآمدهای نفتی مهم‌ترین مولفه‌ای است که اقتصاد ایران را در این دوره تحت تأثیر قرار داده است. از سال ۲۰۰۴ نیز به تدریج قیمت نفت افزایش یافت که این امر تابعی از تحولات بازار جهانی بود. هرچند در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹ که مصادف با وقوع بحران مالی در غرب بود تقاضای جهانی برای نفت کم شد و به تبع آن بهای آن کاهش یافت اما در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۳ مجدداً قیمت نفت روند صعودی به خود گرفت که علت آن رشد اقتصادی چین و کشورهای موسوم به بریکس و در نتیجه افزایش تقاضای

احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵) / ۱۵

مواد اولیه از جمله نفت بود (سرزعی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). مجموع درآمدهای نفتی ایران در طی ۲۰۱۳-۲۰۰۵ به رقم خیره کننده ۶۱۳ میلیارد دلار صعود کرد که در تاریخ ایران رقم بی سابقه‌ای محسوب می‌شود (سرزعی، ۱۳۹۶: ۱۲۹). در سالهای ۲۰۱۷-۲۰۱۳ نیز درآمدهای نفتی ایران حدود ۲۷۳ میلیارد دلار برآورد شده که مجموع درآمدها به رقم ۸۸۶ میلیارد دلار رسیده است. همچنین تولید ناخالص داخلی که نشان دهنده اندازه اقتصاد یک کشور و ظرفیت های تولیدی آن است در این دوره افزایش داشته است. بر این اساس تولید ناخالص داخلی از رقم ۲۲۸/۱۸۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ به ۳۴۹/۸۸۲ در سال ۲۰۰۷ و سپس در سال ۲۰۱۷ به ۴۵۴/۰۱۳ میلیارد دلار رسید که نشانگر رشد حدودا دو برابری این شاخص می‌باشد. شاخص سرانه ناخالص داخلی که به معنای سهم هر فرد از تولید ناخالص داخلی و در نتیجه معیار خوبی برای سنجش میزان رفاه یک جامعه، سطح برخورداری افراد یک جامعه از خدمات حمایتی و مقایسه کارآمدی دولت‌ها با یکدیگر است با رشد ۱/۷ برابری در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۵ از ۳۲۸۸ دلار به ازای هر نفر به رقم ۵۵۷۶ دلار در ۲۰۱۷ رسیده است.

جدول ۲: تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران: (۲۰۱۷-۲۰۰۵)

سال	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	سرانه تولید ناخالص داخلی (دلار)
۲۰۰۵	۲۲۸/۱۸۰	۳۲۸۸
۲۰۰۷	۳۵۱/۷۶۹	۴۹۲۹
۲۰۱۰	۴۸۲/۳۸۴	۶۵۰۵
۲۰۱۲	۳۸۹/۱۹۹	۵۱۱۸
۲۰۱۷	۴۵۴/۰۱۳	۵۵۷۶

منبع: The World Bank, IMF

صادرات غیرنفتی ایران نیز در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۵ با رشد ۱/۷ برابری از ۵۶ به ۹۳ میلیارد دلار ارتقا یافته است. نکته مهم این است که اگرچه میزان صادرات با رشد همراه

بوده اما سهم آن از تولید ناخالص داخلی روند کاهشی را پیموده است. آن چنان که از ۲۴/۶ به ۲۰/۲۶ درصد تنزل یافته است. از سوی دیگر اگرچه به واسطه تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور حجم واردات افزایش محدودی در حدود ۱/۱ درصد داشته اما سهم آن از تولید ناخالص داخلی با روندی کاهشی روبرو بوده است.

جدول ۳: صادرات و واردات ایران: (۲۰۱۷-۲۰۰۵)

سال	صادرات (میلیارد دلار)	سهم صادرات از GDP (درصد)	واردات (میلیارد دلار)	سهم واردات از GDP (درصد)
۲۰۰۵	۵۶/۲۵۲	۲۴/۶	۴۰/۰۴	۱۷/۵
۲۰۰۷	۸۸/۷۷۳	۲۵/۲	۴۴/۹۴۲	۱۲/۷
۲۰۱۰	۱۰۱/۳۱۶	۲۱	۶۵/۴۰۴	۱۳/۵
۲۰۱۲	۱۰۴/۰۰۰	۲۶/۷	۵۷/۰۹۲	۱۴/۶
۲۰۱۷	۹۳/۰۰۰	۲۰/۲۶	۴۷/۰۰۰	۱۰/۳۵

منبع: The World Bank, IMF

۳-۶. نظامی: پس از پایان جنگ سرد و افزایش اهمیت اصل خودیاری در نظام بین‌الملل، ایران نیز که به خاطر ماهیت خود در تعارض با نظام بین‌الملل به سر می‌برد به سمت افزایش توان نظامی خود مخصوصاً پس از حوادث ۱۱ سپتامبر گام برداشت. در این راستا عواملی چون تجربه جنگ تحمیلی با عراق، همسایگی با سه کشور اتمی هند، پاکستان و اسرائیل و عدم برخورداری ایران از توان بازدارندگی هسته‌ای، حضور نیروهای خارجی در محیط امنیتی پیرامونی، عدم عضویت ایران در پیمان‌های امنیتی- نظامی، افزایش تولید خشونت و تهدید در خاورمیانه و ظهور گروه‌های تروریستی همچون القاعده، طالبان، داعش و در نهایت افزایش هزینه‌های نظامی رقبای منطقه‌ای ایران همچون عربستان سعودی و ترکیه نقش مهمی داشتند (برزگر، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۰). با توجه به این شرایط ایران به سمت ایجاد موازنه‌گرایی در برابر تهدیدات محیط امنیتی خود رفت و کوشید با بهره‌گیری

از دو راهبرد موازنه بیرونی در قالب ایجاد روابط نزدیک و راهبردی با چین و روسیه در قالب سیاست نگاه به شرق و موازنه درونی در قالب افزایش قدرت خود به مقابله با تهدیدات پیش روی خود بپردازد (صادقی، ۱۳۹۶؛ ۱۲۵-۲۱). وقوع تهدیدات جدید امنیتی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث تغییر راهبرد نظامی ایران شد. یحیی رحیم صفوی مشاور ارشد نظامی آیت الله خامنه‌ای در تشریح این استراتژی می‌گوید: "ما استراتژی نظامی خود را پس از حملات آمریکا متعاقب ۱۱ سپتامبر تغییر دادیم و بر اساس مقابله با قدرت‌های فرا منطقه‌ای به خصوص سامانه تهاجمات هوایی و دریا پایه سپاه را تجهیز کردیم. در بخش سامانه‌های موشکی بالستیک زمین به زمین با برد ۲/۰۰۰ کیلومتر سامانه‌های متعددی را مجهز کردیم. در بخش سلاح‌های پدافند هوایی نیز به یکی از پیشرفته‌ترین سلاح‌های موشک پدافند زمین به هوا به نام "تورام یک" مجهز شدیم و سامانه‌های موشکی ساحل به دریای ما طول و عرض خلیج فارس و دریای عمان را زیر پوشش خود دارد. ما همچنین چند هزار قایق تندروی موشک انداز در خلیج فارس داریم و یک قدرت دفاعی و هجومی بزرگ را سامان داده‌ایم" (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۶/۴/۳). در این راستا ایران در امور نظامی خود از سه راهبرد ویژه استفاده کرده است: نخستین راهبرد گسترش توان موشکی در قالب موشک‌های سجیل، شهاب ۳، سومار، قدر، خرمشهر، موسودان بی ام ۲۵ (Musudan-BM25)، موشک ضد کشتی کروز، موشک‌های هدایت شده ضد تانک و صیاد ۲ در جهت بازدارندگی^۱ با بردهای متنوع حدود ۲۰۰۰ کیلومتر بود (Litvak and et.al, 2018:18). دوم راهبرد ضد دسترسی^۲ که به معنای اقداماتی است که یک کشور انجام می‌دهد تا به نیروهای دشمن اجازه ورود به منطقه امنیتی خود را ندهد. سوم راهبرد منع منطقه‌ای^۳ است که شامل اقداماتی می‌شود که یک کشور به منظور سلب کردن آزادی فعالیت نیروی نظامی دشمن

1. Deterrence
2. Anti-access
3. Area-Denial Threats

حاضر در منطقه پیرامونی خود انجام می‌دهد. عملیاتی کردن این دو راهبرد برای ایران از طریق بهره‌گیری از شناورها و قایق‌های تندرو در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان، پهبادهای شناسایی و مسلح بر فراز مرزهای آبی-خاکی ایران، استفاده از سامانه‌های هوشمند زمینی و بدون نیاز به کاربر، موشک‌های کوتاه برد ضد کشتی ممکن شده است (Gunzinger, 2012: 2-12). بر اساس گزارش‌های موسسه بین‌المللی صلح استکهلم (SIPRI) هزینه‌های نظامی ایران در سالهای ۲۰۱۷-۲۰۰۵ با رشد ۳/۷ برابری از ۳/۷ میلیارد دلار به ۱۴ میلیارد دلار رسیده است که به طور متوسط ۱۶ درصد بودجه کل کشور و ۲/۸۲ درصد تولید ناخالص داخلی محسوب می‌شود. البته ذکر این نکته ضروری است که این رقم در مقیاسه با رقبای منطقه‌ای ایران عدد بالایی به شمار نمی‌رود. به عنوان نمونه هزینه‌های نظامی عربستان سعودی به عنوان اصلی‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران در سال ۲۰۱۷ پس از آمریکا و چین در جایگاه سوم جهان و بالاتر از روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی قرار گرفته است (SIPRI, 2017).

جدول ۴: آمار نظامی - دفاعی در خاورمیانه: (۲۰۱۷-۲۰۰۵)

کشور	هزینه دفاعی ۲۰۰۵-۲۰۱۷ (میلیارد دلار)	سهم دفاعی از بودجه (درصد)	هزینه دفاعی از GDP (درصد)	میانگین پرسنل نظامی (هزار نفر)
ایران	۳/۷-۱۴	۱۴/۱-۱۵/۷	۱/۶-۳/۱	۵۶۳
ترکیه	۱۲-۱۸/۵	۷/۴-۶/۳	۲/۴۱-۲/۱۸	۵۶۴
عربستان	۲۵/۳-۷۰/۶	۲۷-۳۰	۷/۷-۱۰/۲	۲۳۳

منبع: SIPRI, IISS

در این میان نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان موثرترین نهاد نظامی در پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای ایران نباید نادیده گرفته شود. نیروی زمینی سپاه پاسداران مسئولیت تامین امنیت مرزها و مقابله با تروریسم منطقه‌ای، نیروی دریایی این نهاد

احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵) / ۱۹

مسئولیت تامین امنیت تنگه استراتژیک هرمز و نیروی هوایی آن گسترش برنامه‌های موشک‌های بالستیک و پهادهای نظامی را بر عهده دارد (Wehrey et al, 2009). مجموع نیروهای این نهاد حدود ۱۰۰/۰۰۰ نفر و سهم سپاه قدس به عنوان نیروی برون مرزی آن حدود ۲۰/۰۰۰-۱۵/۰۰۰ برآورد شده است (Congressional Research Service, January 2019: 16). در مجموع نیز میانگین کل پرسنل نظامی در این سالها ۵۶۳ هزار نفر بوده است. همچنین بر اساس گزارش موسسه "Global Fire Power" ایران در سال ۲۰۱۷ بر اساس تمام ملاک‌های متعارف نظامی (جز توان هسته‌ای) در رده بیست و یکم توان نظامی جهان قرار گرفت. بر اساس این گزارش از ۵۰۵ فروند هواپیمای ایران ۱۵۰ هواپیمای جنگنده، ۱۵۸ هواپیمای تهاجمی، ۱۹۲ فروند هواپیمای مسافربری، ۱۰۱ فروند هواپیمای آموزشی و ۱۴۵ بالگرد دارد که ۱۲ فروند آن بالگرد تهاجمی است. نیروی دریایی ایران مجموعاً ۳۹۸ کشتی و قایق جنگی دارد که در این میان ۵ ناوچه، ۳ رزم ناو، ۳۳ زیر دریایی، ۲۳۰ کشتی دفاع از ساحل و ۱۰ کشتی ضد مین را دارا می‌باشد. همچنین نیروی زمینی ایران ۱۶۵۰ تانک جنگی، ۲۲۱۵ خودروی زرهی، ۴۰۰ فروند توپ ۲۱۱۸ و ۱۵۳۳ لانچر پرتاب موشک از مهم‌ترین تجهیزات نظامی ایران است. در میان رقبای اصلی ایران، ترکیه و عربستان به ترتیب در جایگاه هشتم و بیست و چهارم جهان قرار دارند (Global Fire Power).

۴-۶. هویتی: پس از وقوع انقلاب اسلامی نقطه کانونی هویت نیز تغییر یافت. هویت به معنای شخصیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی تحت تأثیر عناصری چون ایرانی‌ت، اسلامیت، غیرمتمدن بودن و انقلابی گری قوام یافته که البته این عناصر وزن یکسانی ندارند. عنصر اصلی قوام دهنده هویت در نظام جمهوری اسلامی ایران اسلام‌گرایی است و اهمیت آن را می‌توان از تاکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم انداز ۱۴۰۴ به عنوان اسناد پایه‌ای کشور درک کرد. مقدمه قانون اساسی اشاره بر این دارد که آنچه انقلاب

اسلامی را از سایر نهضت‌های دیگر ایران در سالیان گذشته متمایز می‌کند مکتبی بودن و اسلامی بودن آن است. همچنین بر اساس اصول اول و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکومتی است که بر اساس اعتقاد دیرینه به حکومت عدل و قرآن شکل گرفته و بر پایه ایمان به خدای یکتا، وحی الهی و معاد قرار دارد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقدمه و اصول اول و دوم). همچنین در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران با هویتی اسلامی و انقلابی تعریف شده است (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴). بنابراین اسلام شیعی مهم‌ترین عنصر قوام بخش هویت جمهوری اسلامی است که مشروعیت نظام سیاسی از آن حاصل می‌شود. چرا که دولت، دولت اسلامی است (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲۹). مهم‌ترین کارویژه نظام سیاسی حفظ اسلام و تعهد به آرمان و ارزشهای اسلامی است و منافع و اهداف ملی بر حسب آن تعریف می‌شود. شیعه به عنوان قرائتی انقلابی از اسلام در کانون اسلام‌گرایی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و آنچه مسلمانان ایران را از سایر مسلمانان دنیا متمایز می‌کند تاکید بر هویت شیعی و تفاوت نظام سیاسی شیعه (مبتنی بر نظریه امامت و ولایت) و نظام سیاسی اهل تسنن (خلافت) است. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت اسلامی شیعه رسالت و وظایفی برای خود قائل است که آن را از محدوده سرزمینی فراتر می‌برد که این امر ناشی از تاکید هویت اسلامی-شیعی بر امت‌گرایی به جای ملت‌گرایی است. اصولی مانند قاعد نفی سبیل، سلطه ناپذیری، کسب و تدارک قدرت، برادری اسلامی، تالیف قلوب و جلب دوستی غیر مسلمین، دعوت به اسلام، وحدت جهان اسلام، جهاد تدافعی برای رفع موانع استقرار اسلام، استکبار ستیزی، حمایت از مستضعفان جهان و تشکیل جامعه آرمانی و حکومت عدل واحد جهانی بنیان اعتقادی-شیعی نظام جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد (نخعی، ۱۳۷۶؛ ۲۵۶-۱۸۷). البته در نظر امام خمینی ایران هویتی اسلامی-ایرانی دارد و از جمله در پیامی به مجلس شورای اسلامی ویژگی مجلس را اسلامی-ملی بودن آن می‌داند. در نظر ایشان مجلس "از آن جهت اسلامی است

که تمام تلاش باید در راه تصویب قوانین غیر مخالف با احکام مقدس اسلام باشد و ملی است چون که از متن ملت جوشیده است (خمینی، ۱۳۷۸: ۳۴۹). اما نکته مهم در این است که بر خلاف گفتمان ملی‌گرایی اسلامی که هدفش خدمت به ایران از طریق اسلام است، هدف امام خمینی خدمت به اسلام از طریق ایران بود و به همین جهت عنصر اصلی هویت جمهوری اسلامی، اسلام‌گرایی شیعی است (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۱۱). کارکرد هویت شیعی در سیاست خارجی ایران در قالب حمایت از مستضعفین، ظلم ستیزی، عدالت محوری، شهادت طلبی، حق طلبی، استکبارستیزی و مقاومت در برابر فشارهای ناعادلانه نظام بین‌الملل متبلور شده که این امر از چند طریق صورت گرفته است: نخست تعیین نقش ملی برای نظام جمهوری اسلامی ایران که به مسئولیت و تکالیف فراملی همچون مدافع اسلام و تشیع و حامی مستضعفین بر می‌گردد. دوم شکل دهی به منافع و اهداف ملی که موجب رجحان منافع هویت اسلامی در سیاست خارجی می‌شود. سوم قالب خاصی را برای معنا و تفسیر واقعیات محیط خارجی فراهم می‌سازد. چهارم باعث تعیین مراحل اصلی تحول و تکامل سیاسی-اجتماعی با ارائه تصویری از وضعیت فعلی و افقی برای آینده کشور می‌شود و در نهایت نظام ارزشی خاصی را برای قضاوت درباره سیاست ایران و سایر کشورها فراهم می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۰). عنصر دوم هویتی مهم جمهوری اسلامی ایران به وجود آمدن نوعی بیگانه‌ستیزی و تاکید همیشگی بر استقلال‌طلبی غرب‌ستیزانه به خاطر سابقه دخالت قدرت‌های بزرگ در امور داخلی ایران است. اگر در دوران پهلوی شوروی و انگلستان عامل چنین نگاهی بودند پس از انقلاب اسلامی آمریکا نیز به خاطر سقوط دولت محمد مصدق و تحکیم استبداد شاه به این موارد اضافه شد و بیگانه‌ستیزی در چهره آمریکا‌ستیزی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی بازتاب یافت. برای نمونه رهبر انقلاب در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۱ در دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی در اوج فشارهای آمریکا بر ایران بر سر برنامه هسته‌ای گفتند: "عده‌ای هم از روی ساده

لوحی و برخی هم از روی غرض گفتند بیا باید مذاکره کنید و مشکل را حل کنید. کجا این‌ها به وعده‌های‌شان عمل کردند؟ از مرداد ۱۳۳۲ تا به امروز در هر موردی که مسوولین به آمریکا اعتماد کردند ضربه خوردند. مانند مصدق که اعتماد کرد و ضربه خورد (خامنه‌ای، بهمن ۱۳۹۱). با چنین ماهیتی تاکید جمهوری اسلامی ایران بر سیاست "نه شرقی، نه غربی" به این معنا است که جهت‌گیری سیاست خارجی نمی‌تواند تنها مبتنی بر بی‌طرفی و انفعال باشد بلکه نظم ناعادلانه موجود در نظام بین‌الملل به خاطر مبارزه با نظام سلطه و آرمان عدالت‌خواهانه هویت اسلامی به صورت فعال به چالش کشیده می‌شود تا نظم مطلوب شیعه که هدفش رسیدن به جامعه آرمانی و تشکیل حکومت عدل جهانی است استقرار یابد. تقابل ایران با قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا را در از این منظر باید درک کرد. تلاش برای نفوذ هویتی-فرهنگی در ژئوپلیتیک خاورمیانه را می‌توان در عملکرد سیاست خارجی ایران در تحکیم روابط با احزاب شیعی مانند حزب الدعوه، مجلس اعلای عراق و جریان صدر در عراق، حزب الله در لبنان و حمایت از جنبش شیعیان بحرین مشاهده کرد. ایران در این حوزه کوشیده است تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مذهبی اماکن مقدس در قالب بازسازی حرم‌های مطهر ائمه معصومین، تاکید بر گردهمایی‌های مذهبی همچون برگزاری مراسم اربعین در عراق و استفاده از رسانه‌های فرامرزی خود همچون العالم و پرس‌تی‌وی نفوذ هویتی خود را در منطقه افزایش دهد (Maloney, 2017:5-159; Robinson and Else, 2018:6).

۷- جمع بندی

مؤلفه‌های قدرت ملی در احیای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی داشته است. موقعیت استراتژیک جغرافیایی و حضور ایران در خلیج فارس به واسطه اهمیت منابع عظیم نفتی در کنار مزیت ژئوپلیتیکی، اکونومیکی و جمعیتی قابل چشم پوشی نیست.

احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵)/۲۳

شاخص‌های اقتصادی نیز قابل توجه است. اگرچه متوسط نرخ رشد اقتصادی ۱/۸ درصد ناامید کننده به نظر می‌رسد اما افزایش بی‌سابقه درآمدهای نفتی، توان اقتصادی ایران برای نقش آفرینی منطقه‌ای را افزایش داد. علاوه بر این تولید ناخالص داخلی با رشد حدود ۲ برابری، سرانه ناخالص داخلی با رشد ۱/۷ برابری، صادرات غیر نفتی با رشد ۱/۷ برابری و واردات نیز با افزایش ۱/۱ برابری مواجه بوده است. از منظر مولفه‌های نظامی نیز شاهد رشد ۳/۷ برابری هزینه‌های نظامی-دفاعی که معادل متوسط ۱۶ درصد کل بودجه سالانه دولت و ۲/۸ درصد تولید ناخالص داخلی است بوده‌ایم. ضمن آن که افزایش نفوذ سپاه پاسداران به عنوان اهرم تأثیرگذار در تحولات و معادلات منطقه‌ای بسیار چشمگیر است. در نهایت نیز اتخاذ هویت شیعی در مقابل دگر هویتی سلفی و اخوانی باعث شکل‌گیری یک بلوک هویتی متمایز و افزایش ضریب نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی شده است.

منابع

فارسی

اعظمی، هادی. (۱۳۸۵). "وزن ژئوپلیتیکی و نظام منطقه‌ای: مطالعه موردی غرب آسیا"، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۶۰۵.

بازرگان، مهدی. (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران: انتشارات نهضت آزادی ایران.
بختیارپور، علی و عزت الله عزتی. (۱۳۸۹). "بسط ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه عربی با ترسیم مدل بسط در مدیترانه شرقی"، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هفتم، ش ۲۷.

برزگر، کیهان. (۱۳۹۴). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه*، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.

_____. (۱۳۸۵). *سیاست خارجی ایران در عراق جدید*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

_____. (۱۳۸۸). "سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی"، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره اول.

- برزگر، کیهان و مسعود رضایی. (۱۳۹۵). "راهبرد دفاعی از منظر آیت الله خامنه‌ای"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، ش ۴.

بیل، جیمز. (۱۳۸۱). "سیاست استیلاجویی، ایالات متحده و ایران"، ترجمه عباس ایمان پور، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۷۶-۱۷۵.

تقفی عامری، ناصر. (۱۳۸۵). *عراق جدید، تغییرات ژئوپلیتیک*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: فصلنامه راهبرد، ش ۳۹.

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۴). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: نشر پاپلی.

_____. (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: نشر سمت

حافظ نیا، محمدرضا، هادی زرقانی، زهرا احمدی پور و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری. (۱۳۸۵).

احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵)/ ۲۵

"طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها"، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره دوم، ش ۲.
حمید، طارق. (۱۳۹۰). "نفوذ ایران در منطقه بسیار بالا است"، سایت دیپلماسی ایرانی، قابل
دسترسی در: irdiplomacy.ir/fa/page/17779

خامنه‌ای، علی. (۱۳۹۱). "بیانات رهبر انقلاب در دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی"،
۱۹ بهمن ماه: قابل رویت در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech?nt=2&year=1391>
خرمشاد، محمدباقر و حمید مرادخانی. (۱۳۹۴). "ارزیابی جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی
ایران بر اساس الگوی سوات"، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۳۳.
خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). صحیفه نور، ج ۲ و ۴، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران:
انتشارات سمت.

روحی دهبه، مجید. (۱۳۹۶). "تحلیل ژئوپلیتیکی رقابت‌های ایران و ترکیه متأثر از تحولات
خارمیانه از سال ۲۰۱۱ میلادی"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۹۷.
زرقانی، هادی. (۱۳۸۸). مقایسه تطبیقی مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای
آسیای جنوب غربی، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.

روشندل، جلیل. (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: سمت.
سجادپور، محمدکاظم. (۱۳۸۹). "برنامه‌ریزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران:
بررسی رابطه قدرت منطقه‌ای، اقتصاد و سیاست خارجی بر اساس سند چشم‌انداز"، مجله
راهبرد، ش ۵۶.

سرزعی، علی. (۱۳۹۶). پوپولیسم ایرانی، تهران: گرگدن
سلیمی، حسین، دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و نجمیه پور اسماعیلی. (۱۳۹۶). "مدل و تحلیل
نظری رابطه نظام منطقه‌ای و سیاست خارجی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۳، ش ۳، پاییز ۹۶.
سیمبر، رضا و روح الله قاسمیان. (۱۳۹۳). "مؤلفه‌های اساسی محیط ایران و سوریه"، فصلنامه

- پژوهش راهبردی سیاست، سال سوم، ش ۹.
- سهرابی، محمد. (۱۳۹۲). "سیاست روسیه قبل و بعد از تحولات اسلامی در منطقه خاورمیانه"، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، ش ۷۱.
- سند چشم انداز ۱۴۰۴، قابل رویت در: www.doelat.comrh
- شریعتی، شهروز و بهنام وکیلی. (۱۳۹۶). "واکاوی تأثیر تروریسم بر هژمونی و قدرت منطقه‌ای ایران"، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، ش ۲۲، پاییز.
- شیخ عطار، علیرضا. (۱۳۸۵). *دیپلماسی انرژی و امنیت ملی*، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- صادقی، شمس‌الدین. (۱۳۹۶). *ائتلاف‌سازی در نظام بین‌الملل*، تهران: فرزانه روز.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۵). "پویایی‌شناسی برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب"، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۱.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸)، "مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۴.
- کریمی، سحر (۱۳۹۴)، "جایگاه منطقه‌ای ایران پس از جنگ سرد"، مجله علمی-تخصصی پژوهش ملل، دوره اول، شماره ۲.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷)، *ژئوپلیتیک نظام جهانی*، ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر گریفتس، مارتین (۱۳۸۸)، *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، "از خلیج فارس تا دریای خزر، ایده‌های ژئوپلیتیک تا واقعیت‌های ایرانی"، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰.
- مرادی کلارده، سجاد و مهدی هدایتی (۱۳۹۶)، "راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی و اهداف"، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره سوم.
- نیاکویی، امیر و سجاد مرادی کلارده (۱۳۹۴)، "رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق"، فصلنامه

روابط خارجی، سال هفتم، شماره اول.

نخعی، هادی (۱۳۷۶)، توافق و تزامن منافع ملی و منافع اسلامی: بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های ملی و اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

روزنامه‌ها

اعتماد: ۱۳۸۶/۴/۳

سایت‌ها

اطلاعات سری زمانی داده‌های اقتصادی بانک مرکزی

<https://www.cbi.ir/simplelist/3484.aspx>

بانک جهانی: <https://data.worldbank.org/country/iran-islamic-rep>

صندوق بین‌المللی پول: <https://www.imf.org>

گلوبال فایر پاور- <https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.asp?country/iran>

مجله آماری اوپک: https://www.opec.org/opec_web/en/publications/202.htm

موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک www.iiss.org/publications/the-military-balance

موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم: <https://www.sipri.org/databases/milex>

انگلیسی:

Chase, Robert, Emily B. Hill, and Paul Kennedy (1996), "Pivotal states and U.S.A Strategy", Foreign Affairs, 75(1).

- Flandes, Daniel (2007), "Conceptualising Regional Power in International Relations: Lessons from the South African Case". GIGA Working Paper No. 53.

Hamburg: GIGA German Institute of Global and Area Studies.

- Gunzinger, Mark (2017), "Outside-In: Operating from Range to Defeat Iran's Anti-Access and Area-Denial Threats", Center for Strategic Budgetary Assessment (CSBA), January 17, 2012. See to: <https://csbaonline.org/research/publications/outside-in-operating-from-range-to-defeat-irans-anti-access-and-area-denial>.

- Haas, Mark (2014), "Ideological Polarity and Balancing in Great Power Politics", Security Studies, 23(4):715-753.

- Hinnebusch, Raymond (2015), "Structure Over Agency: The Arab Uprising and the

- Regional Struggle for Power, The Eastern Mediterranean in Transition: Multipolarity, Politics and Power", ed. Spyridion N. Litas, Ashgate.
- Katzman, Kenneth (2019), "Iran's Foreign and Defense Policies": see to: <https://www.hsdl.org/?view&did=820524>
 - Litvak, Meir, Landau, Emily, Kam, Ephraim (2018), "Iran A Changing Strategic Environment", Institute for National Security Studies: Memorandum No.173, March 2018
 - Maloney, Suzanne (2017), "The Roots and Evolution Of Iran Regional Strategy", Atlantic Council: September 2017, see to: <https://www.atlanticcouncil.org/publications/issue-briefs/the-roots-drivers-and-evolution-of-iran-s-regional-strategy>.
 - Mansbach, Richard and Rafferty, Kirsten (2008), Introduction to Global Politics, London and New York: Routledge.
 - Mudallali, Amal (2014), "The Iranian Sphere of Influence Expands in to Yeman", Foreign Policy, Available Online at: foreignpolicy.com/2014/10/08.
 - Nasr, Vali (2007), "Iran: The New Claimant to Regional Power", The Fletcher of World Affairs, No 31, Available Online at: <https://litigation-essentials.lexisnexis.com>.
 - Osterud, oyvind (1992) "Regional great powers", in: Iver .B. Neumann(eds) , regional great power in International politics , Basingstoke : st.martin press. 1-15.
 - Pollack, Kenneth (2003), "Security The Gulf", Foreign Affairs, July/August 2003, Vo182, Number 4
 - Robinson Linda and Else (2018) "Modern Political Warfare: Current Practices and Possible Responses", Rand Corporation: see to: <https://www.RAND.org/pubs/research-report/RR1772.html>.
 - Rubin, Barry, (2006), "Iran: The Rise of a Regional Power", Middle East Review of International Affairs, No.10, available online at: <http://www.rubincenter.org/2006/09/rubin-2006-09-10>.
 - Schirm, Stefan (2007), "Emerging Power Leadership in Global Governance: Assessing The Leader-Follower Nexus for Brazil and Germany ". Paper to the ECPR Joint Session Workshop: The Rise of (new) Regional Powers in Global and Regional Politics, European Consortium for Political Research: Helsinki
 - Smyth, Philip, Tim, Michetti, Owen Daniels (2017), "Revolution Unveiled: A Closer Look at Iran Presence and Influence in the Middle East", Atlantic Council, September 2017, see to: <http://www.atlanticcouncil.org/publications/reports/revolution-unveiled-a-closer-look-at-iran-s-presence-and-influence-in-the-middle-east>
 - Wehrey.F et al, (2009), " The Rise of the Pasdaran: Assessing the Domestic Roles of Iran's Islamic Revolutionary Guards Corps, See to:

احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵) / ۲۹

https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2008/RAND_MG821.pdf

Site:

-www.New Yorker.com/reporting/2013/09/130930fa-fact-filkihs.





ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی